

اگر می خواهید سرمایه ای را که به سختی جمع کرده اید به آسانی از دست بدهید، این مطلب را بخوانید!

راه رفتن در میدان مین



وحید قزایی

کلاهبرداران مال دیگران است... نخیر! چنین خطراتی همیشه در کمین است و ممکن است با یک بی احتیاطی سرمایه ما را به باد دهد. موضوع در موارد دیگری هم قابل ذکر است. از قبول کردن چک هایی که در دریافت وجه تضمینی وجود ندارد تا ارائه چک هایی که فکر می کنیم به صورت امانی و ضمانتی داده ایم اما جایی این موضوع را قید نکرده ایم. از ورود به شراکت های بدون اطلاعات کافی تا رفتن زیر بار وام و قرض های سنگین برای راه انداختن کسب و کارهای بدون توجیه. مثلاً فردی بود که کل سرمایه اش را در شرکت در خرید یک دستگاه کامیون خرج کرده بود اما زمانی که با شریک به مشکل خورده بود و به دادگاه مراجعه کرده بود نمی دانست مشخصات کامیونی که در آن شریک شده است چیست و اصلاً چند محوری است. و یا فردی که ده ها میلیون تومان وام و قرض گرفته بود تا گاوداری راه بیندازد اما عملاً هیچ اطلاعاتی از زوایای مختلف این کار نداشت و حالا مانده بود با ده ها میلیون تومان سود هایش به عنوان بدهی... ساده تر از آن یک اجاره دادن ساده منزل بدون دانستن موارد حقوقی و قانون روابط و موجر و مستاجر می تواند در دسر آفرین باشد. خرید زمین هایی که

به جرات می توان گفت بسیاری از شهروندان در حوزه فعالیت های اقتصادی خود، احتیاط های لازم را به خرج نمی دهند و با اشتباهات کوچک و بزرگی که مرتکب می شوند به اهدافی که برای خود ترسیم کرده اند نمی رسند. نمی رسند که بمانند حتی کارشان به در دسرهای فراوان قضایی و ضررهای مالی فراوان می رسد. آن وقت است که به فکر می افتند که چه شد در کارشان به نتیجه مورد تصور نرسیدند و کجای کارشان مشکل داشته است. تازه شاید مجبور شوند برای باز یابی همان موقعیت اولیه سختی های مراجعه به مراجع قضایی را به دوش بکشند و هزینه زیادی متحمل شوند. در این میان قرار نیست از بنگاه های بزرگ اقتصادی و شرکت های دارای سرمایه های کلان سخن به میان آوریم که آنها اکثر احواسشان جمع است در معاملات کارهای اقتصادی خود با استفاده از مشاوران حقوقی و

اقتصادی احتیاط های لازم را برای حفظ و افزایش سرمایه شان انجام می دهند و زیر بار کارهای بدون مطالعه نمی روند. صحبت ما از فعالیت افراد معمولی است و شرکت های تازه کار و تازه به گود امور اقتصادی وارد شده. کسانی که معاملات متوسط و کوچک انجام می دهند و چک می دهند و چک می گیرند برای بهتر شدن وضعیت زندگی خود در قالب همین فعالیت های اقتصادی معمولی رویا باقی می کنند. باید عنوان شود که اتفاقاً همین افراد بیشتر در معرض مخاطرات ناشی از فعالیت های بدون احتیاط هستند و چون بر پایه مبالغی که با زحمت جمع و جورش کرده اند کار اقتصادی می کنند بیشتر در معرض فروریختن کاخ آرزوهایشان هستند. مثلاً پولی جمع و جور کرده اند که تکه زمینی بخرند و امید داشته باشند به افزایش قیمت آن و فروش و کسب سرمایه ای قابل توجه تر. بدون برنامه و کسب اطلاعات لازم و بی استعلام و بر اساس زبان چرب فروشنده زمین را هم می خرند اما قدم اول را که برای تثبیت تصرفشان بر می دارند با واکنش ناگهانی شهرداری و منابع طبیعی و مسکن و شهرسازی مواجه می شوند. حالا بیا و درستش کن! هر چه با فروشنده تماس می گیری پاسخی در خور نمی یابی و کم کم باید مسیرت را به سمت دادسرا و دادگاه حقوقی کج کنی. شکایت و

*** فردی با سرمایه ای که داشته است تلاش کرده یک کسب و کار صنعتی راه اندازی کند. قاعدتاً مجبور به اخذ وام شده است. بدون شناخت از سختی های کار و نیاز بازار دل به دریا می زند و کلی قرض و وام می گیرد تا همین نزدیکی های کرمان چنین کاری را راه اندازی کند. هر روز که می گذرد میزان نقدینگی کمتر و هزینه ها بیشتر می شود. بدون مشاوره های لازم به سراغ افرادی می رود که پول قرض می دهند و چند برابر به آنها مدیون می شود! اسم کارشان را نمی آورم چون ممکن است به آنها برخورد... حالا یک آدم مانده با چک هایی که او را در آستانه زندان برده و کاری که راه نیفتاده است...**

*** پولی جمع کرده بود تا در ایام بازنشستگی کسب و کاری راه بیندازد... وارد شراکتی می شود که شناختی از وضعیت آن ندارد. قرار است فردی کالایی از تهران بیاورد و در کرمان بفروشد و سودش را تقسیم کنند. پولش را می دهد و منتظر می ماند تا سود به حسابش واریز شود. حتی قرارداد درستی هم با طرفش ندارد. در حالیکه روایه های بسیاری بافته، متوجه می شود کل سرمایه به باد رفته و کالایی که برایش وارد دنیای شراکت شده، خریداری ندارد. طرفش می گوید ضرر کرده ایم. اگر در سود شریک بوده ای در ضررش هم شریکی...!**

*** برای شراکت با فردی که خیلی به او اعتماد دارد، دسته چک گرفته است و چک های امضا شده را به او می دهد. حالا با شکست شراکت مدت هاست که از شهرهای مختلف برایش اخطاریه و اظهارنامه می رسد که وجه چک هایی را که نمی داند کجا خرج شده اند بپردازد. به همین سادگی در یک وضعیت پیچیده گرفتار شده است. حالا باید کفش آهنین بپوشد و مسیر سختی را برای احقاق حق و حقوقش و به نتیجه رساندن شکایت از شریک سابق طی کند...**

*** زن و شوهر جوان پشت در یکی از شعب دادگاه آنچنان مغموم نشسته اند که گویی دنیا برایشان تمام شده است. می گویند حتی فرش زیر پایشان را فروخته اند و کلی زیر بار قرض رفته اند تا بتوانند تکه زمینی بخرند. پول را که داده اند و زمین را که خریده اند متوجه شده اند زمین متعلق به یک نهاد دولتی بوده است. فروشنده هم زمین های مشابهی را به ده ها نفر دیگر فروخته است. حالا دارند فکر می کنند که چند سال طول می کشد بتوانند به اصل پول خود برسند... زندگی از همان ابتدا روی ناخوشایندش را به آنها نشان داده است...**

تحت مالکیت دولت هستند و حتی کوچکترین استعلامی از مراجع ذیربط برای فهم وضعیت مالکیتی آنها نمی کنیم و به یک بنچاق رنگ و رو رفته بسنده می کنیم... خیلی ها به دلیل همین اطلاعات کم و ریسک های "روی هوا" که می کنند به دلیل از دست رفتن سرمایه و بدهکاری های هنگفت کارشان به زندان هم رسیده است و برخی از آنها حتی دیگر امیدی به همان زندگی معمولی شان هم ندارند و خود را تا آخر عمر بدهکار و "قسط بده" می بینند. اگر واقعاً سرمایه ای جمع کرده اید و قصد کار اقتصادی و شراکت و معامله برای افزایش سرمایه تان در سال آینده دارید یکی دو توصیه ساده را هم جدی بگیرید. اول اینکه قبل از هر کاری با افرادی که متخصص امور اقتصادی و کارکننده این کار هستند مشورت کنید. افراد زیادی برای چنین کارهایی درس خوانده اند و تجربه کسب کرده اند.

مشاوره با وکلا و حقوقدان ها را هم فراموش نکنید. اگر چه قرار نیست از آنها مشاوره اقتصادی بگیرید و از ریسک کار اقتصادی تان بپرسید اما بدون شک آنها راه های بستن یک قرارداد خوب و گریز از دور ماندن از شر کلاهبرداران و موارد مشابه را به شما یاد می دهند. از هزینه کرد و اتفاقاً جلوی بسیاری از هزینه های گزاف احتمالی در آینده را خواهد گرفت. دوم اینکه یک کار بی هزینه را انجام دهید که به تجربه اش می آرزود... سری به دادگاه های حقوقی و دادسرا ها بزنید و با کسانی که در امور اقتصادی به مشکلاتی برخورد کرده اند که کارشان را به مراجع قضایی کشانده صحبت کنید و حرف هایشان را بشنوید... این حرف ها خیلی به کارتان خواهد آمد.

* وکیل دادگستری

پاسگاه و کارشناس و استعلام و در دسرهای فراوان و هزینه دادرسی و دادخواست و نشستن در نوبت جلسات رسیدگی... برای نتیجه گرفتن از پرونده و شکایت طرح دعوی راه های سختی را باید رفت و زمان به نفع فرد نیست. سرمایه اش رفته است و اعتماد به نفسش. در هنگامه طی کردن این مسیر است که تازه به نتایجی می رسد که باید قبل از به فنا رفتن آن سرمایه به آن می رسید. اصول صحیح معامله و استفاده از آموزه ها و مشاوره های حقوقی و اقتصادی از همان بدو امر. همه ما فکر می کنیم که اتفاقات بد اقتصادی و اسیر فروشنده گان مال غیر و